

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشرف دهقانی

۱۰ جنوری ۲۰۲۰

## موهبت ترور یک قصاب برای جمهوری اسلامی!

"هیچ انسان آگاه و مدافع جدی توده های تحت ستم نمی تواند این اقدامات نظامی از سوی هر دو طرف (امریکا و ایران) را بدون تکیه بر شرایط انقلابی جاری در عراق (همین طور در ایران) بدرستی تحلیل نماید و ببیند که این اقدامات چه نقشی می توانند در جهت انحراف مسیر مبارزاتی مردم عراق ایفاء نمایند و کدام تأثیرات را به نفع کدام نیروها در سطح منطقه و بر جنبش انقلابی مردم ایران و عراق بر جای می گذارند." (از متن اعلامیه چریکهای فدائی خلق ایران) پیرامون ترور یک تروریست تبهکار، توسط سر دسته تروریستهای بین المللی"

در شرایطی که جمهوری اسلامی به دلیل سرکوب خونین قیام آبان ماه [عقرب] - سرکوبی که براساس یک آمار رسمی، در جریان آن حداقل ۱۵۰۰ نفر طی فقط پنج روز توسط پاسداران و نیرو های انتظامی رژیم به قتل رسیده و چند هزار نفر مجروح و بیش از ده هزار نفر دستگیر شدند - از طرف اکثریت آحاد جامعه تحت فشار قرار داشت، ترور پاسدار جنایتکار قاسم سلیمانی توسط امریکائی ها تا حدی اوضاع را به نفع جمهوری اسلامی تغییر داد.

امروز بسیاری از انسان های هوشیار مطرح می کنند که قتل قاسم سلیمانی توسط امریکا، "موهبتی" برای رژیم جمهوری اسلامی بود. آن ها می بینند که در شرایطی که این رژیم با به گلوله بستن هر معترض و تظاهر کننده علیه گرانی بنزین و کشتار فجیع توده های گرسنه و جان به لب رسیده با مخالفت شدید و بسیار گسترده ای از طرف مردم سراسر ایران مواجه بود و مشروعیت خود را حتی در میان بخشی از خودی هایش نیز از دست داده بود، امروز با علم کردن این قتل و چیدن بساط گسترده عزاداری و دست و پا کردن جمعیتی در خیابان (به زور چماق و با قدرت دیکتاتوری وحشیانه اش و البته با ترفندهای شناخته شده دیگر)، می کوشد با فریب افکار عمومی، پایگاه مردمی و مشروعیتی برای پیکر سراپا آلوده به خون و ننگینش تهیه نماید. می بینند که ظاهراً خون سلیمانی وطن فروش و تبلیغات پس از آن، برای نظام موهبتی گشت که باعث شد تا همه آن خودی های ظاهراً مخالف که موقتاً از غرش قیام توده ها برای نابودی رژیم و نظام به لرزه افتاده بودند، به همراه سلبریتی های نان به نرخ روز خور و "منتقد" دیروزی نظام، با تمام قواء از سنگر شایسته خویش یعنی جبهه ارتجاع سر در بیاورند.

آیا امپریالیسم امریکا که مدعی دشمنی با جمهوری اسلامی است، به اصطلاح به طور اتفاقی و حساب نشده چنین "موهبتی" را برای این رژیم فراهم نمود؟ آیا ستراتیژیست های امریکا به هنگام طرح ریزی و تصمیم به ترور آن مردک مجری سیاست های برون مرزی جمهوری اسلامی - و البته در خدمت سیاست های خود امپریالیسم امریکا - بی

گذار به آب زده و اصلاً استفاده "رژیم ایران" از آن برای تقویت خود را پیش بینی هم نمی کردند؟ البته در این زمینه سؤالات دیگری هم مطرح هستند. مثلاً با توجه به این که امریکا ظاهراً در تلافی حمله نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی به سفارت امریکا در بغداد، به کشتن قاسم سلیمانی و همراهانش اقدام نمود، پرسیده می شود که چطور مقامات امریکائی حتی از روز و ساعت ورود آن به اصطلاح سردار به فرودگاه بغداد (محلی که وی کشته شد) مطلع بودند ولی در شرایطی که به طور روزمره شعارهای رسای "لا امریکا" (نه به امریکا) ی توده های تحت سلطه عراق را از میدان تحریر گرفته تا شهرهای مختلف می شنیدند، آمادگی حمله مزدوران جمهوری اسلامی به سفارتشان را نداشتند و موقعی که این کار صورت گرفت، ظاهراً از آن غیر مطلع بودند؛ و گویا به این خاطر مهاجمان خیلی راحت به محل سفارت وارد شدند و معلوم شد که "منطقه سبز" معروف برای آن حمله کنندگان خاص میلیتاریزه نبود!!

این واقعیات برای همه انسان های آگاه و هشیار، بیانگر سناریو سازی و نقشه آگاهانه دشمنان کارگران و زحمتکشان ماست؛ و اگر مغرضان را کنار بگذاریم، تنها افراد بی خرد و آلوده به توهمات ایده آلیستی ممکن است همه این واقعیات را اتفاقی و خارج از برنامه از قبل طرح ریزی شده به حساب آورند.

اما سوال های واقعی مطرح چنین اند: آیا اتفاقی است که بعد از ماجرای این ترور، امروز، هم رسانه های امپریالیستی – همان ها که حتی از انتشار خبر و گزارشی در رابطه با قیام قهرمانانه توده های کارگر و زحمتکش ما در آبان ماه [عقرب] یعنی درست چند هفته پیش، احتراز کردند و در روزهایی که سراسر جامعه ایران در میان خون و آتش و دود می سوخت و این رژیم وابسته، مشغول قصابی هزار و پانصد تن از جوانان و نوجوانان بود، با بی اعتنائی کامل از آن چه در ایران می گذشت، گذشتند و جامعه ایران را برای جهانیان و برای افکار عمومی، با ثبات و سرشار از آرامش جلوه دادند - پس از ترور آن مردک مهره رژیم، یک صدا برای "سردار قاسم سلیمانی" برنامه های عریض و طویلی در رادیو و تلویزیون و مجلات خود ترتیب داده و صحنه های عزاداری رژیم و تبلیغات مربوطه را به طور مکرر به نمایش گذاشته و در سر تیتر تبلیغات خود قرار داده اند؟ آیا اتفاقی است که مرتب تکرار می کنند که گویا توده میلیونی (و البته به زعم آن ها داوطلبانه) از مردم ایران در مراسم عزاداری آن "سردار" - در واقع سردار وطن فروش - شرکت کرده اند؟ آیا واضح نیست که این تبلیغات دنیای امپریالیستی با هر پوششی که به آن بدهند و با هر دلیل فریبکارانه ای که آن را توجیه کنند، تماماً در هماهنگی با تبلیغات دیکتاتوری حاکم بر ایران جهت تقویت و کمک به مشروع جلوه دادن رژیم شدیداً منفور جمهوری اسلامی در میان اکثریت آحاد جامعه، قرار دارد؟

اینان که پس از کشتارهای خونین کردستان و ثرکمن صحرا در ابتدای قدرت گیری رژیم جمهوری اسلامی، جنگ ایران و عراق را سازمان دادند و این جنگ علاوه بر همه سودهائی که به امپریالیست ها رساند، نعمتی برای جمهوری اسلامی جهت بقاء و تداوم حیاتش فراهم نمود، اکنون نیز در شرایطی که این رژیم با شورش نابود کننده گرسنگان روبه رو شده و موجودیتش در خطر قرار گرفته، به این صورت و با ترفندهای دیگری که در پیش رو دارند، به کمک رژیم ضد خلقی ایران می شتابند تا بتوانند تا آن جا که مقدور است این رژیم خدمت گزار منافع خود را از سقوط نجات دهند.

اما، این را، هم گردانندگان مزدور جمهوری اسلامی و هم، پشتیبانان امپریالیست آن ها بدانند که مردم ایران از فجایعی که به دست جمهوری اسلامی در طی تمام دوران حاکمیتش آفریده شده، از جنگ ارتجاعی ایران و عراق گرفته تا کشتار های دهه ۶۰ و خلاصه از همه سرکوب های کارگران، دانشجویان و کل توده ستمدیده ایران و نیرنگ ها و توطئه ها و فریبکاری هائی که جهت تحت سلطه نگاه داشتن شان در طی چهل سال گذشته به کار رفته، تجربه ها آموخته، آزمون هائی از سر گذرانده و درس هائی فرا گرفته اند و دشمنان نه فقط دیگر براحتی قادر به اجرای مقاصد ضد خلقی شان نخواهند بود، بلکه باید منتظر باشند و ببینند که خشم خلق چه ها به روزگارشان بیاورد. این واقعیت را

نه صرفاً در قیام آبان [عقرب] بعدی که در راه است بلکه در حرکت های سازمان یافته کارگران و روشنفکران پیشرو جامعه خواهیم دید که با اعمال انقلابی خود، دیر یا زود آن غول در بند یعنی طبقه کارگر ایران، این دشمن اصلی جهان سرمایه داری را متشکل و آماده رهبری جنبش انقلابی خلق خواهند نمود.

۱۷دی [جدی] ۱۳۹۸ - ۷ جنوری ۲۰۲۰